



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قَالَ مَوْلَانَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:
«الْإِمَامُ وَاحِدٌ دَهْرِهِ؛ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَلَا يُعَادِلُهُ
عَالِمٌ وَلَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَلَا لَهُ مِثْلٌ وَلَا نَظِيرٌ؛
مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ
لَا اكْتِسَابٍ، بَلِ اخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهَّابِ.»

«امام یگانه روزگار خویش است؛ هیچ کس نمی تواند به مقام و
مرتبه او نزدیک شود و هیچ دانشمندی با او برابری نمی کند و در عالم
جایگزینی برای او یافت نمی شود و چنین مقامی مثل و مانند ندارد.
امامت فضیلت و مقام خاصی است که از طریق متعارف و با اکتساب
و تحصیل برای کسی حاصل نمی شود؛ بلکه فضیلتی است که از
سوی خداوند فضیلت دهنده و بخشنده به او عطا شده است.»

(الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۱۹۹)

جلد ششم
براهین قرآنی (۳)

درک و ادب

از منظر عقل و نقل

محمد تقی فیاض بخش ❁ فرید بخشی

سرشناسه: فیاض بخش، محمدتقی، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور: ولایت و امامت از منظر عقل و نقل /
محمدتقی فیاض بخش، فرید محسنی.
مشخصات نشر: تهران: فیض فرزانه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۶ ج.
شابک:

دوره: ۸-۱-۹۵۹۹۵-۶۲۲-۹۷۸

ج. ۱: ۱-۹۵۹۹۵-۶۲۲-۹۷۸

ج. ۲: ۵-۹۵۹۹۵-۶۲۲-۹۷۸

ج. ۳: ۳-۹۵۹۹۵-۶۲۲-۹۷۸

ج. ۴: ۶-۹۵۹۲۱-۶۲۲-۹۷۸

ج. ۵: ۳-۹۵۹۲۱-۶۲۲-۹۷۸

ج. ۶: ۰-۹۵۹۲۱-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر با همین عنوان در شش جلد توسط
انتشارات فردا در سال ۱۳۹۷ فیپا دریافت کرده است.
یادداشت: کتابنامه.
مندرجات:

۱. ج. براهین عقلی.

۲. ج. براهین اجتماعی.

۳. ج. براهین فلسفی و عرفانی.

۴. ج. براهین قرآنی ۱.

۵. ج. براهین قرآنی ۲.

۶. ج. براهین قرآنی ۳.

موضوع: ولایت

موضوع: Sainthood*

موضوع: امامت

موضوع: Imamate

موضوع: ولایت -- جنبه های قرآنی

موضوع: Sainthood* -- Qur'anic teaching

موضوع: امامت -- جنبه های قرآنی

موضوع: Imamate -- Qur'anic teaching

شناسه افزوده: محسنی، فرید، ۱۳۴۴ -

شناسه افزوده: موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی علیّه

رده بندی کنگره: BP۲۳۳/۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۳۲۵۷۳

مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی علیّه

تلفن: ۰۹۰۳۳۹۸۷۹۹۰، (۰۲۱) ۳۳۹۸۷۹۹۰

سایت: www.jelveh.org



عنوان کتاب: ولایت و امامت از منظر عقل و نقل

(جلد ششم: براهین قرآنی؛ بخش سوم)

مؤلفان: محمدتقی فیاض بخش، فرید محسنی

ویراستاری: محمدعلی فیاض بخش

بازبینی منابع: سعید خیابانی

ناشر: انتشارات فیض فرزانه

ناشر همکار: انتشارات واژه پرداز اندیشه

نویت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

مرکز پخش: ۰۹۱۲۷۹۷۴۷۵۰

شابک: ۰-۹۵۹۲۱-۶۲۲-۹۷۸

شابک دوره: ۸-۱-۹۵۹۹۵-۶۲۲-۹۷۸

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به

مؤسسه جلوه نور علوی علیّه است.



براهین شش جلد در یک نگاه

جلد اول - براهین کلامی

مقدمه

کلیاتی دربارهٔ امامت عامه

برهان اول ♦ امام؛ لطف الهی

برهان دوم ♦ امام؛ مبین دین

برهان سوم ♦ امام؛ مظهر ولایت

جلد دوم - براهین اجتماعی

برهان چهارم ♦ امام؛ حاکم الهی

برهان پنجم ♦ امام؛ امین الهی

برهان ششم ♦ امام؛ راهنمای عقول

برهان هفتم ♦ امام؛ هادی به عالم ملکوت

برهان هشتم ♦ امام؛ هادی به مقام مخلصین

جلد سوم - براهین فلسفی و عرفانی

برهان نهم ♦ امام؛ پاسخ به سعادت طلبی انسان

برهان دهم ♦ امام؛ واسطه فیض الهی

برهان یازدهم ♦ امام؛ غایت از آفرینش

برهان دوازدهم ♦ امام؛ اشرف نوع انسانی

جلد چهارم - براهین قرآنی (۱)

مقدمه

برهان اول ♦ آیه ولایت

برهان دوم ♦ آیه امامت

برهان سوم ♦ آیه خلافت

برهان چهارم ♦ آیه تبلیغ

برهان پنجم ♦ آیه اولی الامر

برهان ششم ♦ آیات هدایت

برهان هفتم ♦ آیه اکمال

برهان هشتم ♦ آیه نور

برهان نهم ♦ سورة قدر

برهان دهم ♦ آیه صراط المستقیم

برهان یازدهم ♦ آیه شفاعت

برهان دوازدهم ♦ آیه شهادت

جلد پنجم - براهین قرآنی (۲)

برهان سیزدهم ♦ آیه اجتناء

برهان چهاردهم ♦ آیه رؤیت اعمال

برهان پانزدهم ♦ آیه جبل الله

برهان شانزدهم ♦ آیه سلام

برهان هفدهم ♦ آیه علم الكتاب

برهان هجدهم ♦ آیه تأویل

برهان نوزدهم ♦ آیه تعلیم کتاب و حکمت

برهان بیستم ♦ آیه وارثان کتاب

برهان بیست و یکم ♦ آیه حفظ امانت

برهان بیست و دوم ♦ آیه رد الامور

برهان بیست و سوم ♦ آیه نعیم

برهان بیست و چهارم ♦ آیه مودت

جلد ششم- براهین قرآنی (۳)

برهان بیست و پنجم ♦ آیه مباحله

برهان بیست و ششم ♦ آیه بینه

برهان بیست و هفتم ♦ آیه تطهیر

برهان بیست و هشتم ♦ آیه تزکیه

برهان بیست و نهم ♦ آیه اهل الذکر

برهان سی ام ♦ آیه صادقین

برهان سی و یکم ♦ آیه بیت الله الحرام

برهان سی و دوم ♦ آیه ملک عظیم

برهان سی و سوم ♦ آیه امریه معروف

برهان سی و چهارم ♦ آیه صلۀ رحم

برهان سی و پنجم ♦ آیه استقامت

برهان سی و ششم ♦ آیه اقامۀ وجه

برهان سی و هفتم ♦ آیه تکریم والدین

برهان سی و هشتم ♦ آیه بصیرت

برهان سی و نهم ♦ آیه سفیران الهی

برهان چهلم ♦ آیه نفر

سخن آخر

فهرست اجمالی جلد ششم

برهان بیست و پنجم: آیه مباهله

۱۵	خلاصه بیان
۱۷	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۲۳	فصل دوم- بیان استدلال
۳۹	فصل سوم- پاسخ به شبهات
۴۹	جمع بندی و نتیجه‌گیری
۵۱	فصل چهارم- بحث روایی

برهان بیست ششم: آیه مینه

۵۹	خلاصه بیان
۶۱	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۶۳	فصل دوم- بیان استدلال
۷۳	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۸۱	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان بیست و هفتم: آیه تطهیر

۸۵	خلاصه بیان
۸۷	فصل اول- توضیح واژه‌ها، سیاق و شأن نزول آیه
۹۵	فصل دوم- بیان استدلال
۱۱۱	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۱۱۹	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان بیست و هشتم: آیه تزکیه

۱۲۳	خلاصه بیان
۱۲۵	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۱۲۹	فصل دوم- بیان استدلال
۱۴۳	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۱۴۷	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان بیست و نهم: آیه اهل الذکر

۱۵۱	خلاصه بیان
۱۵۳	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۱۶۱	فصل دوم- بیان استدلال
۱۷۳	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۱۷۹	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان سی‌ام: آیه صادقین

۱۸۳	خلاصه بیان
۱۸۵	فصل اول- توضیح واژه‌ها، نکات ادبی و شأن نزول آیه
۱۹۳	فصل دوم- بیان استدلال
۲۰۹	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۲۱۳	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان سی و یکم: آیه بیت الله الحرام

۲۱۷	خلاصه بیان
۲۱۹	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۲۲۳	فصل دوم- بیان استدلال
۲۳۹	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۲۴۵	فصل چهارم- نکات تکمیلی
۲۴۹	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان سی و دوم: آیه ملک عظیم

۲۵۳	خلاصه بیان
۲۵۵	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۲۶۵	فصل دوم- بیان استدلال
۲۷۹	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۲۸۵	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان سی و سوم: آیه امر به معروف

۲۸۹	خلاصه بیان
۲۹۱	فصل اول - توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۳۰۳	فصل دوم - بیان استدلال
۳۲۳	فصل سوم - مبانی روایی برهان
۳۳۱	فصل چهارم - نکات تکمیلی
۳۳۷	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برهان سی و چهارم: آیه صلۀ رحم

۳۴۱	خلاصه بیان
۳۴۳	فصل اول - توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۳۴۷	فصل دوم - بیان استدلال
۳۶۷	فصل سوم - مبانی روایی برهان
۳۷۵	فصل چهارم - نکات تکمیلی
۳۷۹	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برهان سی و پنجم: آیه استقامت

۳۸۳	خلاصه بیان
۳۸۵	فصل اول - توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۳۸۹	فصل دوم - بیان استدلال
۴۰۳	فصل سوم - مبانی روایی برهان
۴۰۹	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برهان سی و ششم: آیه اقامۀ وجه

۴۱۵	خلاصه بیان
۴۱۷	فصل اول - توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۴۲۵	فصل دوم - بیان استدلال
۴۳۷	فصل سوم - مبانی روایی برهان
۴۳۹	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برهان سی و هفتم: آیه تکریم والدین

۴۴۳	خلاصه بیان
۴۴۵	فصل اول - توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۴۴۹	فصل دوم - بیان استدلال
۴۷۳	فصل سوم - مبانی روایی برهان
۴۷۹	فصل چهارم - نکات تکمیلی
۴۸۳	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برهان سی و هشتم: آیه بصیرت

۴۸۷	خلاصه بیان
۴۸۹	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۴۹۳	فصل دوم- بیان استدلال
۵۰۷	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۵۱۵	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برهان سی و نهم: آیه سفیران الهی

۵۱۹	خلاصه بیان
۵۲۱	فصل اول- توضیح واژه‌ها، نکات ادبی و شأن نزول آیه
۵۳۳	فصل دوم- بیان استدلال
۵۴۳	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۵۵۵	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برهان چهلیم: آیه نفر

۵۵۹	خلاصه بیان
۵۶۱	فصل اول- توضیح واژه‌ها، نکات ادبی و شأن نزول آیه
۵۶۹	فصل دوم- بیان استدلال
۵۹۱	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۵۹۹	فصل چهارم- نکات تکمیلی
۶۰۹	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۶۱۱	سخن پایانی

فهرست‌ها

۶۲۹	فهرست تفصیلی
۶۴۵	فهرست منابع

برهان بیت و نجم آیه مباحله



انتخاب واژه «نفس» برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) در
آیه مباحله، گویای وحدت شخصیت و مشابَهت
مقام ولایت تکوینی و تشریعی ایشان با پیامبر
اکرم (صلی الله علیه و آله) است.

❖ توضیح واژه‌ها، نکات ادبی و شأن نزول آیه

معنای واژه «حاجک» / معنای واژه «تعالوا» / معنای واژه «ابناءنا» / معنای واژه «نساءنا» /
معنای واژه «أنفسنا» / معنای واژه «نبتهل» / شأن نزول آیه

❖ بیان استدلال

بیان اول برهان / بیان دوم برهان

❖ پاسخ به شبهات

شبهه اول / شبهه دوم / شبهه سوم / شبهه چهارم / شبهه پنجم / شبهه ششم / شبهه هفتم /
شبهه هشتم

❖ مبانی روایی برهان

مدارک عامه / مدارک شیعه

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ
فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا
وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ
لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾

﴿آل عمران * ۶۱﴾

«پس هر کس با تو دربارهٔ بندگی و رسالت
عیسی علیه السلام مجادله کرد، بعد از علمی که
از مطلب یافتی، به ایشان بگو: بیاپید ما
فرزندان خود و شما فرزندان خود را، ما زنان
خود و شما زنان خود را، ما نفس خود و شما
نفس خود را بخوانیم و سپس مباحله کنیم
و دوری از رحمت خدا را برای دروغگویان
درخواست نماییم.»



آیه مباهله، به اتفاق فریقین، در شأن خمسۀ طیبہ علیہ السلام نازل شده و منقبتی عظیم برای آنان است. براساس این آیه، با دویان می توان مقام وصایت حضرت علی علیہ السلام را (مستقل از روایات وارده ذیل این آیه) تبیین نمود:

اول آنکه خداوند در این آیه از امیرالمؤمنین حضرت علی علیہ السلام به عنوان نفس نبی صلی الله علیه و آله یاد کرده؛ چنین شخصیتی، جدای از تصریح آن حضرت بروصایت امیر مؤمنان حضرت علی علیہ السلام، قطعاً اصلح و شایسته ترین فرد بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای جانشینی و زعامت امت است.

دوم آنکه سیاق آیه به گونه ای است که همه پنج تن علیهم السلام در مقابل کفر یکپارچه هستند و در نتیجه، آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را بدان دعوت می کرد، در این افراد به نحو اتم وجود داشت. به همین علت بود که علی رغم وجود سایر مسلمین و مؤمنین در میان امت اسلام، تنها خمسۀ طیبہ علیهم السلام در مباهله شرکت داده شدند.

براین اساس، می توان گفت که مقام نفس نبی، بالاترین مرتبه را بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مسلمین واجد است و این شخصیت ارجمند، به اتفاق فریقین، حضرت

امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. بدیهی است که چنین شخصیتی، علاوه بر نصوص متعدد روایی، عقلاً معصوم به عصمت الهی و عالم به علوم ربانی است و بعد از نبی صلی الله علیه و آله باید جانشین حضرتش در میان امت اسلام باشد.

فصل اول

توضیح واژه‌ها و نکات ادبی

ابتدا به بررسی لغات کلیدی آیه شریفه می‌پردازیم.

❖ مبحث اول - معنای واژه «حاجک» ❖

اصل در این واژه «حجج» به معنای قصد کردن است. لذا «رجل محجوج» یعنی کسی که مقصود واقع شده است.^۱ البته برخی از اهل لغت برای این معنا قیود دیگری را اضافه کرده‌اند؛ مثلاً در مفردات قید قصد کردن برای زیارت چیزی^۲، در مجمع البیان قید قصد بنا بر وجه تکرار^۳ و در التحقيق قید قصدی که ملازم با حرکت و عمل باشد، به معنای این لغت افزوده شده است.^۴ در هر صورت، «حُجَّة» بر وزن فُعلة، یعنی آنچه که در مقام استدلال به آن احتجاج می‌شود. به دلیل روشن و راه مستقیم نیز حجت می‌گویند؛ چنان که «المَحْجَّة» طریق واضح و روشن است.

هنگامی که این واژه به باب مفاعلة می‌رود، معنای استمرار طرفین اعداد راودیده می‌شود. به این بیان که هریک از متخاصمین برای اثبات حرف خود اقامه برهان

۱- الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية (ط. دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ هـ.ق.)، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲- مفردات ألفاظ القرآن (ط. دار القلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ هـ.ق.)، ص ۲۱۹.

۳- ج ۱، ص ۴۳۹.

۴- ج ۲، ص ۱۶۹.

و حجت بر علیه خصم می‌کند، تا بتواند طرف مقابل را از مقصود خود دور کند.^۱ بنابراین، در آیه مورد استدلال، نصارای نجران از یک سواستدلال بردستی بیان خود می‌آوردند و بر آن پای می‌فشرده و از سوی دیگر رسول اکرم ﷺ اقامه حجت بر دعوت خود می‌فرمود.

❦ مبحث دوم - معنای واژه «تعالوا» ❦

این لغت فعل امر از «تعالی» است؛ یعنی بالا بیاوید. در زبان عرب اگر کسی با دیگری در یک سطح باشند، با «إِلَیَّ» او را می‌خوانند و چنانچه از پایین، فرد بالاتر را فرا بخوانند که به پایین نزد ایشان بیاید، از کلمه «أَنْزِلْ» بهره می‌جویند؛ هرگاه فرد بالاتر، کسی را که در پایین (مانند دامنه کوه) است به سوی خویش بخواند، کلمه «تَعَالْ» را به کار می‌برند. این کلمه بر اثر کثرت استعمال، در مطلق دستور به آمدن با رأی و عزم به کار می‌رود.^۲

در این آیه سخن از دعوت نصارای نجران به اسلام است؛ ولی در احتجاج به آنان گوشزد می‌شود که اطاعت ایشان موجب ارتقای شان است؛ پس دعوت نبی مکرم اسلام ﷺ را امتثال نمایند تا بلند مرتبه شوند.

❦ مبحث سوم - معنای واژه «ابناءنا» ❦

این لغت جمع «ابن» به معنای فرزند است و ریشه آن «بن و» است؛ چون جمع آن «ابناء» و مصغّر آن «بنی» است. اصل معنای آن نیز به «بناء» به معنای قرارداد چیزی بر چیز دیگر بازمی‌گردد. مثل ستون که پایه برای سقف است. همچنین به فرزند و نوه و نتیجه ذکور «ابن» و به اناث آن‌ها «بنت» گفته می‌شود؛ چون متوقف بر پدر هستند.^۳ بر این اساس، معنا را توسعه داده‌اند و هر امری که نتیجه چیز دیگری است، خواه به لحاظ تربیت و یا تفقد و خدمت و یا قیام به

۱- المیزان فی تفسیر القرآن (ط. جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ه.ق.)، ج ۲، ص ۳۴۸.

۲- المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر (للارافی) (مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ ه.ق.)، ص ۴۲۸.

۳- مفردات ألفاظ القرآن، ص ۱۴۸؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ط. ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ه.ش.)، ج ۱، ص ۲۰۶.

امور او، همگی را ابن او نامیده اند؛ از این قبیل است «ابن الحرب» یعنی کسی که تربیت شده در میادین جنگ است؛ یا «ابن السبیل» یعنی کسی که در راه مانده؛ یا «ابن العلم» و یا «ابن الوقت» و موارد دیگری از این قبیل^۱.

نتیجه آنکه: در معنای «ابن» تأکید بر نتیجه چیز دیگر بودن است و در آن قید فرزند پسر بودن ذکر نشده. لذا در آیه مورد استدلال که می فرماید: ﴿أَبْنَاءُنَا وَأَبْنَاءُكُمْ﴾، نوۀ پسری و دختری، هر دو را شامل می شود و در عین حال اشاره به شدت نزدیکی آنان به رسول خدا ﷺ دارد؛ به این معنا که این ها ثمرۀ وجودی رسول خدا ﷺ هستند.

❖ مبحث چهارم - معنای واژه «نساءنا» ❖

اصل در این واژه از «ن س و» گرفته شده. جمع آن «مرأة» است که از غیر لفظ خودش گرفته شده. اسم جنس آن «نسوة» و «نساء» می باشد؛ با این تفاوت که نساء معمولاً در حال رفعت و بیان شأن و مقام ذکر می گردد و نسوة در حالات عادی و یا هنگام ضعف و بیماری^۲. از این جهت، عنوان نساء، مثل رجال، بیانگر احترام ضمنی برای صاحب این مقام است.

❖ مبحث پنجم - معنای واژه «أنفسنا» ❖

واژه نفس دارای معانی گوناگونی است؛ ولی در کتاب های لغت معمولاً مترادف با «روح» معنا می شود؛ مثل:

﴿أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ﴾^۳

معنای اصلی این واژه که سایر معانی از لوازم آن است، به ذات و تشخص یک

-
- ۱- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ط. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ه. ش.)، ج ۱، ص ۳۴۲؛ معجم مقاییس اللغة (ط. مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه. ق.)، ج ۱، ص ۴۳؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۶۵.
 - ۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۱۱۲.
 - ۳- الانعام، ۹۳.
 - ۴- مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۱۸.

شیء باز می‌گردد؛ به این ترتیب که وقتی در امور مادی و حیوانی مطرح می‌شود، خصوصیات ظاهری و حیوانی مطرح است؛ مثل:

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ﴾^۱

وهنگامی که در امور معنوی و اعتقادی مطرح می‌شود، مراد هویت معنوی و تشخیصاتی است که مراتب معنوی یک شیء را معلوم می‌کند؛ مثل:

﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾^۲

بنابراین، در یک جمع‌بندی می‌توانیم بگوییم اصل در معنای نفس، حقیقت و ذات شیء است که تشخیص و ماهیت آن را معین می‌کند. اگر در موردی چیزی را نفس چیز دیگر نامیدند، یعنی آن دویه حدی به هم نزدیکند که در هویت و تشخیصاتی که صفات بارز هر کس است و به آن شناخته می‌شود، عین یکدیگرند. لذا در آیه مورد استدلال، مراد از ﴿أَنْفُسَنَا﴾ ذات نبی اکرم ﷺ نیست؛ چون دعوت‌کننده باید غیر از دعوت شده باشد و چون دیگر دعوت‌شدگان از نزدیک‌ترین افراد خانوادهٔ پیامبر ﷺ هستند، مراد از ﴿أَنْفُسَنَا﴾ باید نزدیک‌ترین فرد از آنان به لحاظ شباهت معنوی به رسول اکرم ﷺ باشد.

❖ مبحث ششم - معنای واژه «بہل» ❖

این واژه از «بہل» به معنای رها کردن بدون سرپرست است. به شتريا گوسفندی که رهايش کرده‌اند تا هرنوزادی از شیر او بنوشد، «ناقة باهله» یا «شاة باهله» گفته می‌شود. «بَهْلَهُ اللهُ» یعنی خدا او را رها و از رحمت خاص خویش محروم ساخت. پس لعنت، لازم «بہل» است نه معنای اصلی آن؛ وگرنه وقتی گفته می‌شود: «صاحب الماشية بهل ماشيته» (دامدار دام خود را رها کرد)، باید مجازیا مشترک لفظی باشد که چنین نیست.^۴

۱- القصص، ۳۳.

۲- الفجر، ۲۷ و ۲۸.

۳- التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱۲، ص ۱۹۷.

۴- لسان العرب (ط. دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع دار صادر، ۱۴۱۴ هـ.ق.)، ج ۱۱، ص ۷۱.

«ابتهال» یعنی کاررا به خدا واگذاشتن؛ که به تدریج به معنای تضرع و زاری خاصی در درگاه خداوند اختصاص یافت. «تضرع»، «ابتهال» و «تبتل» به هم نزدیک اند. بنابراین، «ثُمَّ تَبْتَلُ فَتَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» بدین معناست: «ما کاررا به خدا وامی گذاریم و با زاری، لعنت خداوند را بر دروغگویان قرار می دهیم.» بنابراین، هر چند معنای اصلی ابتهال تخلیه و ترک است، اما به معنای تضرع به کاری رود؛ با این تفاوت که تضرع در صورت، گریه و زاری به درگاه حق است؛ ولی ابتهال به معنای تخلیه خود و ترک نفس برای توجه تام به حق است.

❖ مبحث هفتم - شأن نزول آیه ❖

این آیه و آیات قبل از آن درباره گروهی از مسیحیان نجران نازل شده است که به خدمت پیامبر ﷺ رسیدند و با ایشان درباره حضرت عیسی علیه السلام به احتجاج پرداختند و گفتند: «آیا هرگز دیده ای فرزندی بدون پدر متولد شود؟» در این هنگام آیه زیر نازل شد:

﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ...﴾

اما آنان نپذیرفتند. تا اینکه پیامبر ﷺ آن ها را به مباهله دعوت کردند. آن ها تا فردای آن روز از حضرتش ﷺ مهلت خواستند. پس از مشورت با یکدیگر، اسقف (روحانی بزرگشان) به آن ها گفت: «شما فردا به محمد ﷺ نگاه کنید، اگر با فرزندان و خانواده اش برای مباهله آمد، از مباهله با او بترسید؛ و اگر با یارانش آمد با او مباهله کنید؛ زیرا چیزی در بساط ندارد.» فردا پیامبر ﷺ به میدان مباهله حاضر شدند؛ در حالی که دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفته بودند و حسن و حسین علیه السلام در پیش روی ایشان راه می رفتند و فاطمه علیه السلام پشت سرشان بود. نصاری نیز بیرون آمدند؛ در حالی که اسقف آن ها جلوتر از بقیه بود. هنگامی که او دید پیامبر ﷺ تنها با آن چند نفر آمده اند، پرسید این ها کیستند؟ به او گفتند: «این پسر عمو و داماد او و محبوب ترین خلق خدا نزد او است و این دو پسر، فرزندان دختر او از علی علیه السلام هستند و آن بانوی جوان دخترش فاطمه علیه السلام

است که عزیزترین مردم نزد او نزدیک‌ترین افراد به قلب او است...»
بزرگشان به اسقف گفت: «برای مباحله قدم پیش گذار». او امتناع کرد و
گفت: «من صورت‌هایی را می‌بینم که اگر از خداوند تقاضا کنند تا کوه‌ها را از
جا ببرند، چنین خواهد کرد. هرگز با آن‌ها مباحله نکنید که هلاک خواهید شد و
یک نصرانی تا روز قیامت بر صفحه زمین باقی نخواهد ماند.» بدین ترتیب آنان
از میدان مباحله عقب‌نشینی کردند و حاضر به دادن جزیه شدند.^۱
این ماجرا در تاریخ ثبت و ضبط شد و نه تنها در منابع شیعه، بلکه در مصادر
روایی اهل عامه نیز عیناً مورد تصریح قرار گرفته است.

۱- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۶۳.